

## آغاز سال قمری اسلامی در نزد اهل حق

**سؤال:** تا آنجا که اطلاع داشته ام و نوعا شایع است؛ اول سال قمری را ماه محرم الحرام می دانند، از طرفی شنیده ام که حقیقت مطلب برخلاف این بوده و اوّلین ماه سال قمری ماه محرم نمی باشد؛ می خواستم روشن بفرمایید که حقیقت امر چیست؟ و ماه اول سال در تاریخ قمری اسلامی کدامست؟ و اگر با آنچه متداول است مطابق نیست؛ چرا اینطور شده است؟ و چطور شده که برخلاف حقیقت عادتی مرسوم و رایج شده است؟

### جواب:

ماه آغاز سال در دیدگاه عامه ناس؛ و علل رواج این پندار در میان عامه ناس شهرت دارد که ماه محرم الحرام آغاز سال است. ولی این برداشت و ذهنیت ریشه های جاهلی داشته؛ و از بقایای فرهنگ دوران جاهلیت قبل از اسلام است، و قدمت یا رواج عمومی آن به معنای اصالت و درستیش نمی باشد؛ و این دیدگاه یک عادت و رسم جاهلی صرف بوده؛ و تنها بخاطر سلطه فرهنگ جاهلی در آن دوران رواج پیدا کرده؛ و پس از آن هم تا کون باقیمانده است.

چرا برخی از اندیشه های جاهلی و عادات و رسوم آن هنوز باقیمانده است؟

پس از ظهور اسلام نیز فرهنگ جاهلی همچنان بر ذهن و اندیشه بسیاری از صحابة پیامبر ﷺ راسخ بود؛ چون پیراستگان واقعی از جاهلیت بسیار محدود بوده؛ و عمدۀ صحابه (جز تغییر در چند عنوان کلی) در سایر امور در گرو عادات و پندارهای گذشتۀ خود بودند، از سوی دیگر تمام تلاش و کوشش پیامبر ﷺ مصروف امور مهم و ضروری آنروز مسلمین بود؛ یعنی تصحیح اصل عقیده تازه مسلمانان و ایمانشان به توحید؛ و تربیت نفوس بر التزام به شرع و آیین و قانون اسلام؛ و تشکیل جامعه اسلامی و حفاظت از آن، و بقیه امور هم تحت الشعاع بود؛ لذا امور اساسی و ضروری اولیۀ آن روز حضرتش را از پرداختن به این امور (هر چند مهم ولی فرعی) و زدودن بقایای جاهلیت باز داشت.

از سوی دیگر؛ بسیاری از صحابة پیامبر ﷺ تسلیم محض حضرتش بودند؛ آن چنانکه جز همان چند عنوان (ذکر شده) که پذیرا شده بودند؛ در سایر امور همچنان بر عادات و اخلاق و عقاید جاهلی خود باقی بودند، بلکه آن چنان بر این عادات و عقاید انحرافی پایبند بودند؛ که حتی مانع پیامبر ﷺ از هر گونه تصحیح و تغییری در آن می شدند.

در سفر فتح مکه که در اوج استقرار اندیشه و حکومت اسلامی پیامبر ﷺ اتفاق افتاد؛ سخن از تغییرات مشرکان در ساختمان کعبه (در دوران جاهلی) پیش آمد؛ که آنها به عمق سه متر از خانه کعبه را (بخاطر کمبود هزینه ساختمان) بیرون از کعبه گذارده بودند، (که البته علیرغم بازسازی مکرر آن؛ تا به امروز هنوز این قسمت در قسمت راهرو حجر اسماعیل واقع است) و اینکه پیامبر ﷺ این نقص را اصلاح کند و آن قسمت بیرون افتاده از کعبه را به داخل آن برگرداند، پیامبر ﷺ به عایشه فرمودند: اگر نبود که قوم تو ارتباطشان هنوز با جاهلیت تازه و نزدیک است؛ من این کار (تصحیح بنای کعبه) را انجام می دادم! یعنی چون هنوز در گروی عادات جاهلیتند مانع می شوند و نمی پذیرند.

از اینگونه امور فرعی ولی مهم؛ که برای پیامبر ﷺ شرایط تصحیح یا تأسیس آن فراهم نشد؛ یکی موضوع تأسیس تقویم و شروع تاریخ اسلامی بود، که این کار سالها پس از رحلت پیامبر ﷺ اتفاق افتاد، وقتی حاکم زمان در نوشتن نامه مهم رسمی متوجه بود که چه تاریخی بنویسد، یا قصد داشت تقویم کافران را بکار گیرد، حضرت مولا علی علیهم السلام به او یاد دادند که زینده نیست که تقویم و تاریخ ییگانه بکار بری! و چون پرسید از مبدأ تاریخ اسلامی؟ حضرتش به او مبدأ قراردادن هجرت پیامبر ﷺ را تعلیم کردند، چون با هجرت به مدینه شروع جامعه و دولت اسلامی اتفاق می افتاد؛ و آن نامه هم یک نوع مکاتبه رسمی و دولتی محسوب می شد، لذا این تعلیم حضرت مولا علیهم السلام بکارگرفته شد؛ و از آن روز تا به حال تقویم اسلامی با مبدأ هجری در میان همه مسلمانان متبادل بوده است.

از دیگر امور مهمه ای که (به علت رسوخ فرهنگ جاهلی در پندار غالب صحابه) برای پیامبر ﷺ تصحیح آن فراهم نشد؛ موضوع آغاز سال در تقویم اسلامی بود، طبیعی بود وقتی که اصل تأسیس تاریخ و تقویم برای حضرتش میسر نشد؛ موضوع آغاز سال که از فروع آن بود نیز جای تصحیح و تأسیسش نبود.

### عمل عدم تصحیح پندار عامه مسلمین در باره آغاز سال

این جریان و طیف جاهلی با همکاری گروه سقیفه بنی ساعدة پس از رحلت پیامبر ﷺ فوراً مخالفتش را آشکاراً کرده و شدت بخشید، و بر خلاف وصیت و معرفی عمومی پیامبر ﷺ در حج وداع؛ بر علیه جانشین راستین حضرتش (یعنی حضرت مولا علی علیهم السلام) اقدام به کودتای بسیار جنایتکارانه ای کرد؛ که در آن خانه وحی سوزانده شد و یادگار پیامبر ﷺ (یعنی حضرت زهرا علیهم السلام) مورد هجوم و ضرب و جرح واقع گردید و فرزند و جنین ایشان مظلومانه شهید شد؛ و با این اقدام و یک سلسله اقدامات خشونت بار دیگر؛ از جمله تهدید بزرگان صحابة پیامبر ﷺ و ایجاد جو رعب و وحشت در میان مسلمانان بویژه پس از فاجعه حمله به خانه وحی و نیز تور رئیس و بزرگ انصار (که بخش اعظم مسلمانان مدینه را تشکیل می دادند)

یعنی سعد بن عباده؛ این طیف توانست زمام مسلمانان را بدست بگیرد، و پس از آنها تا قرنها نوعاً همین جریان اخراجی و نفوذی جاهلی (ولی با تقدیر و ماسک اسلامی) بر مسلمانها حکومت داشته است.

نوع کسانی که پس از پیامبر ﷺ نیز بر مسلمانان حاکم شدند (خلفای تلاش و امویان و...) از همین طیف و جریان جاهلیت زدگان بودند؛ که نه تنها دنبال پیرایش خود و جامعه از بقایای جاهلیت بوده؛ بلکه پیوسته در صدد زدودن تعالیم نبی ﷺ از جامعه و اندیشه و عقاید مسلمانان بودند؛ ولذا فوراً پس از پیامبر ﷺ؛ خلیفه غاصب حکم به منویت بازگویی و نشر سخنان پیامبر ﷺ کرد؛ و دستور داد که هر که تخلف کند و سخنان پیامبر ﷺ را بازگوید یا نشر دهد؛ او را با تازیانه شکنجه دهند. این فرمان حکومتی تا هشتاد و چند سال پس از پیامبر ﷺ (واخر امویان) اجرا می شد، و طوری شده بود که بازگویی سخنان و تعالیم نبی ﷺ جرم شمرده می شد و حکم قاچاق را داشت؛ و چه بسیار صحابه وتابعین راستین پیامبر ﷺ که بخاطر بازگویی سخنان حضرتش شکنجه و آزار یا زندان و تبعید شدند.

این طیف و جریان در حقیقت یک جریان کافر جاهلی بود؛ که وقتی دید فوج فوج مردمان از هر سوبه اسلام روی می آوردند؛ و دیگر محاصره اقتصادی ایمان آورده ها یا شکنجه های وحشیانه مانع اسلام آوردن شان نمی شود؛ لذا برای باقی نگهداشت مردم در تاریکیهای جاهلی و منع رسیدنشان به نور حقیقی اسلام؛ به ناچار شیوه نفاق را در پیش گرفت، و سرانشان با اظهار اسلام و تظاهر به گرویدن به پیامبر ﷺ؛ خودشان را در لابلای صفوف مسلمانان راستین جا زدند، و با استفاده از نفوذ و موقعیت اجتماعی جاهلیشان و نیز بکار گرفتن سرمایه های فراوانشان؛ توانستند جریانی پشت پرده (بر علیه پیامبر ﷺ و حقایق اسلام) را در همان دوران حیات حضرت مخفیانه شکل دهند؛ و این خطر برای اسلام و مسلمانان آقدر جدی بود؛ که سوره ها و آیات فراوانی از جانب خداوند تعالی در این خصوص نازل گردید و در قرآن کریم مسطور است، که همه این کلمات وحی در بیان افشاءی جریان نفاق و منافقین و شیوه ها و خصلتهای آنها و خطرشان می باشد.

بهترین شاهد بر مصداقیت این جریان برای آن آیات و سوره ها؛ رفتار و روشنان در نقی و زدودن تعالیم پیامبر ﷺ بود؛ بلکه حتی در صدد محو کلی نام پیامبر ﷺ از یاد و دل مسلمانان نیز بودند؛ و اقداماتی را هم انجام دادند هر چند به نتیجه مقصودشان نرسیدند؛ از جمله این تلاشها: در دوران معاویه (لعنه الله) بود؛ که وقتی او شنید که در آخر اذان پس از فقرة "لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ" فقرة "محمد رسول الله" (طبق تعلیم اصلی اذان) هنوز گفته می شود؛ معاویه (لعنه الله) گفت: آیا محمد راضی نمی شود به همان یکبار که نام او را در صدر اذان می بردند؟ تا اینکه در آخر اذان هم ببرند! و بدینوسیله در ادامه این فقره از اذانها انداخته شد.

ماه و روز آغاز سال در کلام وحی و خازنان وحی الْتَّيَّاب، و جایگاه ارزشمند آن در تعالیم اسلام ناب محمدی الْتَّيَّاب بر هر که آشنایی ناچیزی با کتاب خداوند قرآن کریم داشته باشد؛ پوشیده نیست که: در کلام حق تنها ماه مبارک رمضان است که با چنان تکریم و تجلیلی سخن از آن به میان آمده است، و پیامبر الْتَّيَّاب هم پس از هجرت چون در مدینه استقرار یافتد و تشکیل جامعه اسلامی فرمودند؛ در همان اولین سال در آخر ماه شعبان و پیش از شروع ماه مبارک رمضان خطبه ای در فضیلت و احکام و آداب آن فرمودند؛ و حکم الهی در باره روزه این ماه مبارک را به همگان اعلام نمودند؛ و چنین شد که شروع سال در تقویم الهی با ماه مبارک رمضان و روزه آن آغاز گشت.

### سرآغاز حقیقی سال نزد اهل حق

ماه مبارک رمضان به گواهی قرآن کریم و کلام پیامبر الْتَّيَّاب و خازنان وحی الْتَّيَّاب برترین ماههای سال و سرور آنهاست، همچنانکه شب و روز قدر برترین شب و روز سال است؛ و این شب و روز قدر هم در همین ماه است؛ و این خود گواه دیگری بر عظمت و ارزش این ماه می باشد. و در فضیلت و ارزش ماه مبارک رمضان و ليلة القدر آن چنان از تعالیم وحی و خازنان وحی الْتَّيَّاب فراوان سخن رسیده؛ که در این باره کتابهای بسیاری نوشته گردیده است؛ و چه بسا که شمارش از هزار افزون باشد.

در بیان حضرت مولا علی الْتَّيَّاب آمده که در خطبه ای در فرارسیدن ماه رمضانی که در آن شهید شدند فرمودند: ماه رمضان شما را فرا رسید، که آن سرور ماهها بوده و آغاز سال است.

و نیز در بیان حضرت حق ناطق جعفر بن محمد صادق الْتَّيَّاب (برگفته از کلام وحی و سخن پیامبر الْتَّيَّاب) آمده است که: ماه مبارک رمضان (ماه) سرآغاز حقیقی سال است، و ليلة القدر ابتدا و شروع سال (جديد) و نیز پایان (گذشته) آنست. و در بیان حضرت موسای کاظم الْتَّيَّاب دعاibi برای ورود در سال (نو) در اول ماه رمضان وارد شده؛ و به نیاش با آن توصیه گردیده است.

از این روست که حضرت مولانا علی بن موسی الرضا الْتَّيَّاب فرموده اند که: اولین ماه سال نزد اهل حق؛ ماه مبارک رمضان است، و سرآغاز سال (نزد اهل حق) ليلة القدر است.

به پیروی از این حقیقت؛ بزرگان اصحاب حضرات معصومین الْتَّيَّاب (از جمله فضل بن شاذان نیشابوری) و قدماهی علمای پیرو اهل بیت الْتَّيَّاب (از جمله شیخ کلینی و شیخ صدوق) بر این (که اولین ماه سال نزد اهل حق؛ ماه مبارک رمضان؛ و سرآغاز سال (نزد اهل حق) ليلة القدر است) تصریح و تأکید کرده اند.

## اول ماه مبارک رمضان ابتدای سال در تقویم اهل حق

جز سرآغاز حقيقی سال که ليلة القدر است؛ بنابر کلام خازنان وحی العَبْدَةُ شب و روز اول ماه مبارک رمضان هم چون اولین شب و روز از اولین ماه سال است؛ فلذا اول سال در تقویم اهل حق بشمار می آید، و در این خصوص توصیه ای است از حضرت مولا علی العَبْدَةُ به غسل در این هنگام؛ که به خواه خاصی تعلیم شده و فضیلت و برکت آن بیان گردیده است.

عید بودن آغاز ماه مبارک رمضان در میان همه مسلمانان

در خاتمه این نکته شایان ذکر است که علیرغم تلاش‌های تحریفگرانه جریان فکر جاهلی در طول تاریخ اسلام در جهت عدم رواج آغاز سالی ماه مبارک رمضان؛ ولی در عین حال می بینیم که خوشبختانه سنت عید بودن ماه مبارک رمضان و عید گرفتن شروع آن و برگزاری جشنها و تبریک به این مناسبت؛ همچنان در میان ملل‌های مختلف مسلمان تا به امروز برقرار بوده؛ و با وسعت و گستردگی فراوان برگزار می شود، همه کسانی که در کشورهای غیر ایران سفر کرده یا خبر داشته باشند؛ از این معنا به خوبی مطلعند، تبادل پیامهای تبریک پادشاهان و رؤسای حکومتها کشورهای مسلمان و جمیع اصناف مردم برای حلول ماه مبارک رمضان و تهنیت و تبریک آن به عنوان عید بسیار مهم؛ جلوه ای از این معناست.

با توجه به اینکه آغاز سال در میان همه ملل و اقوام و فرهنگها و ادیان بشری در سرتا سر جهان با عید شروع می شود، لذا تقارن این سنت باقیمانده (عید بودن اول رمضان) نشانه ای از حقیقت امر در این موضوع (آغاز سال) می باشد.

البته جریان فکر جاهلی در ادامه تلاش‌های تحریف گرانه اش چون توانست که سنت عید گرفتن حلول ماه مبارک رمضان را منسوخ کند؛ لذا برای منع ارتباط بین آن و موضوع آغاز سال؛ اقدام به جعل و ترویج عید گرفتن حلول ماه محرم؛ و نیز عید قرار دادن شهادت پاره جگر پیامبر الله الحسین (حضرت اباعبد الله الحسین الله الحسین) و خانواده و یارانشان کرد؛ تا شاید بدینوسیله عنوان آغاز مجموع سال (ماه محرم) محفوظ مانده و عاشورای حسینی الله الحسین عید شود، ولی با همه تلاش‌های گسترشده این طیف؛ می بینیم که در این اقدام شوم چندان موفق نبوده و دامنه تبریک حلول ماه محرم بسیار محدود بوده؛ و عید بودن عاشورا جز در میان ناصیان و دشمنان (اهل بیت الله الحسین) و محیطهای مرتبط و منفعل از آنها؛ چندان رسمیتی نداشته است؛ بلکه روزبروز با توسعه ارتباطات حاصله از وسائل پیشرفته امروزی؛ اطلاع عامه مسلمین از حقایق تاریخی افزون گردیده، و با رشد سطح آگاهی و شناختشان به ارزش‌های ناب اسلام از تحریفات این جریان جاهلی مطلع شده و از کثیرهایشان فاصله می گیرند. امیدوارم خداوند کریم به همه ما توفیق عطا فرماید تا همواره از اهل حق و در خدمت حق باشیم. [شماره ثبت: (۱۲۰۳) منبع: المسائل المشرقة]